

دکتر سید علی اکبر حسینی
عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز

بحثی مقدماتی پیرامون «مبادی» دانش روان‌شناسی در اسلام

روان‌شناسی اسلامی را می‌توان به «مطالعه منظم آثار، پدیده‌ها، و عملکرد نفس انسانی از تکوین جنینی تا حیات پس از مرگ با استفاده سنجیده از روش‌های متناسب» تعریف نمود. منظور از «مطالعه منظم» کسب اطلاعات جدید در این رشته از معارف اسلامی، با بهره‌وری از روش‌های شناختی متفاوت، اعم از کمی و غیرکمی، است و بدین سان به اهداف سه‌گانه زیر می‌اندیشیم: تولید اطلاعات و آگاهی‌های نوین، تحلیل، نقد و امعان نظر در آنها، و نهایتاً قابلیت نشر، توزیع، و عرضه این یافته‌ها به مجامع علمی.

موضوع روان‌شناسی اسلامی روح یا نفس انسانی است و آیاتی چون آیه شریفه «فاذا سویته و نفخت فیه من روحی ففعواله ساجدین» و جز آن نشان از آن دارد. با تعیین موضوع، مسائل و محتوای روان‌شناسی اسلامی را می‌توان بر بنیان دو محور نیازهای عمدتاً طبیعی و جسمی نفس از یکسو، و شوؤن و جودی آن از سوی دیگر، شناسایی کرد.

رهایی از «روان‌شناسی وارداتی» کنونی می‌تواند یکی از مهمترین و اساسی‌ترین فواید و اغراض باشد. همچنین در تعریف و موضوع ارائه شده از مسأله چنان ظرفیتی نهفته است که می‌تواند ما را به شناختی واقعی از انسان و مدرکات و قابلیت‌های وی رهنمودن گردد و زمینه‌ساز حل مشکلات و مسائل بسیاری باشد که در قلمرو زندگی بشری مطرح‌اند و با توجه به ظهور تردیدها و بحران‌های حاد در علوم انسانی معاصر، روان‌شناسی اسلامی می‌تواند به صورت یک «انتخاب» یا طرح جانشین مورد توجه قرار گیرد.

مقدمه

در این مقاله ابتدا از علم مبادی یا مبادی علم سخن خواهیم گفت و سپس با استفاده از برخی اصول یا «رؤوس» این دانش بحث حاضر را دنبال می‌کنیم. مبادی جمع مبدأ و به معنی آگاهی ضروری بریک سلسله از «تصورات و تصدیقات» و یا مفاهیمی است که در فهم و درک دیگر علوم و دانش‌ها به کار می‌آیند. هرچند که مفاهیم مذکور از مسائل و عناوین هیچیک از علوم متداول به شمار نیامده‌اند، لیکن در حال حاضر دانشی را نمی‌شناسیم که از آنها بی‌نیاز باشد و توفیق خود را در گروتوجه دقیق به آنها نبیند.

مبادی نویسی یا علم مبادی در جهان علم و معارف، بخصوص در فرهنگ اسلامی، جایگاهی شایسته و رفیع داشته است و در این باره می‌توان از آثار ارزشمندی چون *مفاتیح العلوم* محمدبن موسی خوارزمی، *کشف الظنون* حاجی خلیفه، و *درّة التاج* قطب الدین شیرازی نام برد.

در این آثار، به‌ویژه اثر اخیر، از «رؤوس ثمانیه» یا «مبادی هشتگانه» نام برده شده است که تعریف علم، موضوع علم، و فایده و غرض علم از آن جمله‌اند. (۱) ذیلاً به‌ارائه توضیحاتی پیرامون هر یک می‌پردازیم.

تعریف علم از آن جهت در هر علمی ضروری است که حداقل به‌صورت اجمال به‌عالم و محقق می‌گوید که به‌دنبال چیست و برای چه هدف و نهایی تلاش و کوشش می‌کند. وی با آگاهی یا شناخت اجمالی به‌تدریج براطلاعات و دانسته‌های بیشتر و مفصل‌تری و قوف خواهد یافت و بر میزان فهم و درک خود از دانش موردنظر خواهد افزود. شناخت و تعیین موضوع علم نیز از آن‌رو الزامی است که دانش‌های مختلف را براساس تمایز موضوعات از یکدیگر مرزبندی می‌کنیم و مسائل هر یک از آنها را در قلمرو مشخص آنها مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهیم. و بالاخره آگاهی برغرض و فایده علم برکسی پوشیده نیست و روشن است که عاقلان و فرزندگان تنها به‌کارهایی دست می‌زنند که فایده و غرض عقلایی برآن مترتب باشد. این نکته نیز قابل ذکر است که عالمان و اندیشمندان سلف ما، علی‌رغم آن که بحث از این مسائل را در حوزه

فعالیت‌های علمی خود نمی‌دانستند، به گفته خود آنان، برای سهولت کار و آگاهی طالبان علم، «طرد اللباب» به آنها می‌پرداختند و از ارائه توضیحاتی هرچند اندک دریغ نمی‌کردند. (۲)

مبادی دانش روان‌شناسی در اسلام

پس از این مقدمه، مبادی دانش روان‌شناسی در اسلام را می‌توان به ترتیب زیر مورد بررسی قرار داد:

الف: تعریف. روان‌شناسی اسلامی، در مقایسه با روان‌شناسی معاصر، اولاً بر فلسفه‌ای خاص استوار است؛ ثانیاً فروض، عناوین، و واژگان ویژه خود را دارد که مفاهیمی چون روح، نفس، عقل، فطرت، کمال، قلب و جز آنها از آن جمله‌اند؛ ثالثاً با واژه‌ها و اصطلاحات متداول در روان‌شناسی معاصر از قبیل رشد، یادگیری، انگیزش، شخصیت، بهداشت روانی، و جز آنها تشابه مفهومی یا اشتراک لفظی دارد و نه اشتراک معنوی؛ و رابعاً در مسأله شناخت یا روش‌شناسی زندانی روش مشخصی نیست و روش را تابعی از نوع سؤال می‌داند. (۳) لذا می‌توان روان‌شناسی در اسلام را به «مطالعه منظم آثار، پدیده‌ها، و عملکردهای نفس انسانی. از تکوین جنینی تا پس از مرگ، با استفاده سنجیده از روش‌های شناختی متناسب» تعریف نمود. این تعریف به تحلیل و توصیف چندانی نیاز ندارد زیرا اجمالاً به ما می‌گوید که روان‌شناسی در اسلام «به دنبال چیست و برای چه هدف و نهایی تلاش و کوشش می‌کند». لیکن شاید لازم باشد مفهوم «مطالعه منظم» را کمی بشکافیم و به ارائه توضیحاتی اندک پیرامون آن مبادرت ورزیم.

منظور از «مطالعه منظم»، آن چنان که در تعریف آمده است، چیزی جز پژوهش و تحقیق پیرامون موضوع نیست. هرچند بحث از تحقیق و پژوهش بحثی رایج و متداول است لیکن در حال حاضر نمی‌توان به تعریفی که عام و مورد قبول همگان باشد اشاره نمود، زیرا تعاریف ارائه شده اولاً بر حسب رشته‌های مختلف متفاوتند، ثانیاً آن که از موضع‌گیری‌های فلسفی و سیاسی افراد و گروه‌ها مصون نبوده و نیستند. مع الوصف تعاریف موجود را می‌توان در دو مقوله محدود و وسیع خلاصه یا جمع‌بندی کرد. آنان که تحقیق و پژوهش را به کسب اطلاعات جدید با استفاده انحصاری از روش‌های کمی تعریف می‌کنند در مقوله اول (تعریف محدود) قرار می‌گیرند و آنان که این فعالیت را به کسب اطلاعات جدید در همه رشته‌ها و با استفاده از روش‌های متفاوت، اعم از کمی

و غیر کمی، تعریف می‌کنند در مقوله دوم (تعریف وسیع) جای می‌گیرند. تعریف اول مورد پذیرش ما نیست، لذا با ترجیح تعریف دوم به اهداف زیر در این باره می‌اندیشیم:

تولید اطلاعات نوین. هدف یا مهمترین مشخصه در زمینه «روان‌شناسی در اسلام» کاوش و جست و جو از آگاهی‌ها یا تولید اطلاعات جدید است - اطلاعاتی که بتوانند برگنجینه موجود چیزی بیافزایند و غنای علمی بیشتری را سبب شوند. از طریق بررسی‌های منظم و جهت‌دار، تفسیر و تبیین عملکردها، کشف روابط و همبستگی‌ها، و وصول به درکی عمیق‌تر از مسائل و مفاهیم و «ساخت‌های فرضی (۴)» موضوع مورد بحث می‌توان بر این مهم جامه عمل پوشید. از سوی دیگر ویژگی نو بودن اطلاعات به معنی «روزآمد بودن» آگاهی‌های محقق نیز خواهد بود، چه آشنایی بر سوابق پژوهشی هر تحقیق را می‌توان از عناصر مهم آن به شمار آورد.

۲. بحث و تحلیل. تحقیق و پژوهش در مبحث حاضر تنها به جمع‌آوری اطلاعات تازه و نو خلاصه نمی‌شود بلکه نقد و بررسی و امعان نظر در این یافته‌ها نیز رکنی دیگر از ارکان این تعریف است. پژوهش در معنای واقعی کلمه بیش از تولید انباشت اطلاعات است و اگر کسانی تحقیق را به مثابه دیواری تصویر می‌کنند که لازم است با افزودن آجر یا آجرهایی تازه بر آن هر روز آن را بلند و بلندتر کرد در این صورت بدون شک به برداشتی سطحی از تحقیق دست یافته‌اند. تحقیق در موضوع مورد بحث متضمن بررسی و تحلیل ژرف نگرانه و جامع اطلاعات است. در تحقیق به صورت اعم و در این گونه از تحقیقات به صورت اخص، هدف و رسالتی مشخص و معین وجود دارد که حل مشکلات و مسائل فرهنگی، اجتماعی، آموزشی، روانی، و جز آنها از آن جمله‌اند. اگر اطلاعات به دست آمده مورد تحلیل و بررسی قرار نگیرند در این صورت نه به حل مشکل می‌توان دل بست و نه آن که می‌توان از محقق انتظار داشت که به پیشهاداتی خردمندانه و رهگشا دست یابد.

۳. نشر و توزیع. سومین مشخصه یا هدف از تحقیق در روان‌شناسی اسلامی قابلیت نشر و توزیع یافته‌هاست. اگر کاری قابل نشر و عرضه نباشد به وضوح نمی‌توان بر آن نام تحقیق و پژوهش گذاشت. این مقوله از یک سو به نو بودن یافته‌های تحقیق، که در آغاز از آن نام بردیم، اشاره دارد و از سوی دیگر مسأله اطلاع رسانی یا انتقال این یافته‌ها را به محضر جامعه علمی تداعی می‌کند.

هرچند که مسأله اطلاع رسانی ممکن است از طرق مختلفی چون گزارش

مکتوب، تدریس، ایراد سخنرانی، طرح در سمینارها و گردهمایی‌ها، و جز آنها صورت گیرد، لیکن هدف اصلی آن است که یافته‌های تحقیق در معرض افکار و اندیشه‌های عموم و به‌ویژه اهل نظر قرار گیرد و درجه خلوص یا «عیار» آنها به نقد گرفته شود و به قول لسان‌الغیب:

نقدها را بود آیا که عیاری گیرند تا همه صومعه‌داران پی‌کاری گیرند

لازم به یادآوری است که منظور از طرح این بحث دقیقاً آن است که در این باره باید به یک مناظره، از نوع آنچه در فرهنگ کهن اسلامی، وجود داشت، روی آورد. هدف اساسی از آن مناظره‌ای که خداوند بدان فرمان می‌دهد و پیامبر و پیروان صدیق آن حضرت از آن سود می‌جستند چیزی جز برگرفتن نقاب از چهره حقیقت نبود و رعایت دو اصل آشنای «آزادی بیان» و «اندیشه را با اندیشه پاسخ گفتن» از مهمترین امتیازات آن بوده است. در این باره، گفته‌ارزشمند اصفهانی در محاضرة الادباء قابل توجه است:

روزی دو دانشمند کلام با هم روبه‌رو شدند یکی از آن دو گفت: «مناظره‌ای داری؟» دیگری گفت: «آری ولی شرایطی دارد: خشمگین نشوی، شگفت زده نشوی، پرخاش نکنی، داوری [پیشداوری] نکنی، تا با تو سخن می‌گویم چهره از من برنگیری، مورد دعوی را دلیل قرار ندهی، به خود اجازه تفسیر آیه‌ای از قرآن را تا همان تفسیر را برابر مسلکم برمن روانداشتی برخوردار روانداری، و در پی راستگویی باشی و شناخت را گردن نهی و این که هر کدام از ما مناظره خود را براین پایه بنیاد نهیم که حقیقت گمشده اوست و رهنمون شدن [به آن] هدفش ... (۵)

ب. موضوع. روان‌شناسی اسلامی روح یا نفس انسانی است. در اصطلاح قرآن کریم روح آن حقیقت مجردی است که به ذات لایزال الهی انتساب یافته و آیاتی چون «قل الروح من امر ربی»، (۶) «ایدهم بروح منه»، (۷) «نفع فیه من روحه»، (۸) و جز آنها نشان از آن دارند. اما همین روح، که برتجرد و غیر مادی بودن آن ادله چندی نیز اقامه شده است، (۹) از آن جهت که در ارتباط نزدیک و تنگاتنگ با جسم و تن است نفس

نامیده می‌شود. بدین سان نفس همان انسان تحقق یافته در این نشئه طبیعی است و اطلاق آن بر جسم تنها و روح تنها درست نیست. (۱۰) در رسالهٔ بهداشت روان در اسلام، در این باره چنین آمده است:

... مراد از نفس اعتبار تعلق روح به بدن است. به عبارت دیگر، وقتی آن روح مجرد به بدن تعلق می‌گیرد و گرفتار نفس عالم طبیعت و ماده می‌شود، بدان نفس اطلاق می‌شود. به بیانی دقیق‌تر نفس عبارت از همان روح مجردی است که به لحاظ تعلق و ارتباط آن با بدن نفس و از جهت استقلال و تجردی که دارد روح نامیده می‌شود. (۱۱)

مناسب است که در باره بحث فوق به‌ارائه نکاتی چند مبادرت ورزیم:

۱. در منابع اسلامی، اعم از فلسفه و عرفان، از توصیف و تعریف روح سخنی به‌میان نیامده و تنها به ذکر خواص و لوازم آن پرداخته شده است. مثلاً صدرالمتالهین برای روح در بدن تعبیر بسیار زیبای «منازل» را برگزیده و یکی از آنها را نفس و دیگری را عقل نامیده است. وی برای روح دو بعد قائل است: یکی بعد ادراکی، که مظهر عقل و اندیشه بشری است و دیگری بعد جنبش‌های حیاتی که مظهر قوای قلبی و نفسی است. البته براساس اندیشه‌های این فیلسوف عالی مقام، روح از نظر ماهوی یا اصل با بدن مغایرت دارد و لیکن در این جهان خاکی آنچنان با تن آدمی اتحاد پیدا کرده است که حمل این همانی (هوهو) بر آن جایز است و آیه شریفه «منها خلقناکم و فیها نعیدکم و منها نخرجکم تارة اخرى» (۱۲) گواه صادق آن است. آثار و قوای مربوط به بدن در حقیقت همه از روح و نفس انسانی سرچشمه می‌گیرند و بدن تنها یک ابزار است که نفس از طریق آن به کارهای خود، اعم از عقلی یا حسی می‌پردازد. بنابراین، نفس سلطان، منشأ، و «منبع» همه نیروهاست و به قول حاج ملاهادی سبزواری «ره»:

و فعلها فی فعله قدانطوی	النفس فی وحدتها کل القوی
یستعمل النفس القوی تنشی الصور (۱۳)	وبالرضا و بالتجلی اذ نظر

نفس در عین وحدت واجد همه نیروهاست و عملکرد نیروهایش در عملکرد خود آن فروپيچیده شده است. عملکرد نفس به دو صورت رضا و تجلی است و با به کار گرفتن نیروهای خود به خلق و ایجاد صور می پردازد.

از این نکته نیز نباید غافل ماند که علی رغم «احاطة اشرافی» روح بر بدن، دیانت اسلام برای بدن و جسم انسان اهمیت قائل شده و استفاده صحیح و مناسب از همین جسم عنصری و قوای آن را به عنوان یکی از طرق وصول به هدف متعالی انسانی معرفی نموده است.

۲. در قرآن کریم نفس به صورت یک مرکب اضافی مکرر به کار برده شده است و اگر مواردی که واژه قلب معنای کلمه نفس را دارد نیز در نظر بگیریم حاصل آن نموداری است که در تصویر ۱ آمده است.

برطبق این نمودار سیر صعودی و نزولی نفس از نقطه میانی - نفس سویه - آغاز می شود و جریان تکامل و تنازل آن در روایت منسوب به امام علی بن ابی طالب علیه السلام چنین آمده است: «ان النفس لجوهرة عینة من صانها رفعها و من ابتذلها وضعها». یعنی نفس انسانی گوهری بس پر قیمت و گرانبهاست، هر کس آن را از آلودگی ها حفظ کند به اوج رفعت و کمال می رسد و اگر آن را آلوده سازد تدریجاً به پایین ترین نقطه سیر نزولی، که نفس مقلوبه است، سقوط می کند و به افق حیوانیت و حتی نازل تر از آن می رسد. (۱۴)

۳. با توجه به این که طبق نظر اکثر عالمان و اندیشمندان، تمایز علوم به تمایز موضوعات است، لذا با مشخص شدن موضوع روان شناسی در اسلام تشخیص و شناخت مباحث و مسائل این دانش کار چندان دشواری نخواهد بود. اگر مسائل و محتوای هر معرفت یا رشته علمی از موضوع آن سرچشمه می گیرند و در موضوع، بحث از عوارض ذاتی است؛ در این صورت در بحث حاضر، یعنی روان شناسی در اسلام، مسائل و محتوا حول دو عنوان مهم و اصلی دور خواهند زد که یکی نیازهای عمده طبیعی و جسمی نفس است و دیگری شوون و جودی آن. با این توضیح میل به غذا، تشفی جنسی، نیاز به استراحت و امنیت و ... در مقوله اول و مفاهیمی چون فطرت، عقل، قلب، ادراک، عواطف و اختیار، و ... در مقوله دوم قرار می گیرند. (۱۵)

	نقطه اوج ←	۷. نفس مطمئنه
		۶. نفس مرضیه
		۵. نفس راضیه
		۴. نفس زکیه
		۳. نفس سلیمه
		۲. نفس منیه
		۱. نفس لوأمة
مراتب کمال نفس و سیر صعودی آن		
آغاز کمال	←	<input type="text"/>
نقطه میانی	→	نفس سوّیه و نفس و ماسویها فالهمها فاجورها و تقویها
آغاز نزول	←	۱. نفس آماره
		۲. نفس مسؤله
		۳. نفس غافله (مغفوله)
		۴. نفس مدسوسه
		۵. نفس مریضه
		۶. نفس قاسیه
		۷. نفس مطبوعه (مغلولة)
		۸. نفس مقلوبه (منكوسه)
مراتب سقوط نفس و سیر نزولی آن		
نقطه حسیض ←		

قد افلح من زکیها

وقد خاب من دسیها

تصویر ۱. نمودار مراتب شانزده‌گانه اوج و حسیض نفس *

* این نمودار با تغییراتی از روزنامه اطلاعات تحت عنوان «مباحثی از علم اخلاق» (۶) تألیف حجة الاسلام هاشم زاده هریسی نقل و اقتباس شده است.

بی‌مناسب نیست یکی از این مفاهیم و به‌عنوان مثال ادراک را برگزینیم و از زاویه دید روان‌شناسی اسلامی بدان‌نظر افکنیم. در این روان‌شناسی، ادراک تصویری از جهان خارج نیست که در ذهن ما منعکس شده باشد، بلکه چون نفس به‌عنوان جوهری مجرد نمی‌تواند با موجودی مادی متحد شود، بنابراین لازم است که ادراک نیز از نوع مجرد باشد تا نفس قادر به پذیرش آن گردد؛ و به‌قول حکیم متأله صدرالمتألهین:

انتقال صورت محسوس به سوی قوه حاسه، از نظر تحقیق فلسفی، محال و برخلاف واقع و حقیقت است. بلکه حقیقت احساس عبارت است از یک نوع خلاقیت نفس... (۱۶)

ج. فایده و غرض. هرچند در این باره از فواید و اغراض فراوانی می‌توان سخن به‌میان آورد و لیکن به‌صورت محدود و گزینشی ذیلاً به‌ذکر مواردی چند می‌پردازیم:

اولین فایده یا غرض این علم حفظ هویت و استقلال فرهنگی است. آنچه را که ما هم‌اکنون به‌نام روان‌شناسی می‌شناسیم و در نهادهای آموزشی خود تدریس می‌کنیم کلاً محصول فرهنگ غرب است و کمترین سنخیتی با فرهنگ اسلامی ما ندارد. از سوی دیگر، همان‌قسم که می‌دانیم، غرب در صدور این دانش به‌کشور ما و نیز دیگر کشورها، دو هدف عمده را دنبال می‌کرده که یکی تداوم حالت وابستگی اقتصادی و دیگری وابستگی سیاسی، از طریق حمایت از گروه‌های «برگزیده» غرب‌گرا، بوده است. (۱۷)

روشن است که با ظهور پدیده عظیم انقلاب اسلامی ایران کمترین توجهی برحفظ و نگهداری این دانش وارداتی نیست و لذا ضروری می‌نماید که برنامه روان‌شناسی موجود جای خود را به روان‌شناسی اسلامی دهد و استقلال علمی - فرهنگی جامعه انقلابی در عمل تضمین گردد.

دومین فایده و غرض را می‌توان در ظهور و بروز تردیدها و حتی بحران‌هایی دانست که روان‌شناسی معاصر، و نه تنها روان‌شناسی که کل «علوم انسانی» معاصر با آنها مواجه هستند. ناکامی در اهداف و آرمانها، ماهیت سازشی و انطباقی، نارسایی در روش‌شناسی، و تزلزل در بنیان‌ها از جمله علائم و نشانه‌های این بحران‌اند (۱۸) و به‌قول علامه دهخدا وضع موجود بیماری را مجسم می‌کند که روی به‌هلاکت دارد. با توجه به این بحران‌های فزاینده است که روان‌شناسی اسلامی، و نه تنها روان‌شناسی اسلامی که کل علوم انسانی اسلامی، می‌تواند به‌صورت یک «انتخاب» یا طرح جانشین عنوان شود و این داعیه یا غرض کوچکی نیست. البته نباید این بیان را تنها یک «داعیه» دانست زیرا

در تعریف و موضوع پیشنهاد شده چنان ظرفیت عظیمی نهفته است که می‌تواند اولاً ما را به شناختی واقعی از انسان و چگونگی یادگیری و مدرکات حقیقی او رهنمون باشد، ثانیاً به ما خواهد گفت که انسان در زندگی فردی خود با چه ضوابط اخلاقی باید زیست نماید و در زندگی جمعی با چه نوع مدیریت یا حاکمیت به‌نظم و انسجام گراید. آیا پاسخ دقیق و درست به این پرسش‌ها نمی‌تواند با سعادت و خوشبختی انسان مساوی باشد؟

سومین فایده و غرض را می‌توان در قلمرو وسیع روان‌شناسی اسلامی جست و جو نمود. روان‌شناسی اسلامی در مطالعه انسان به صورت انفرادی و فارغ از مسائل پیچیده جامعه و محیط اطراف عمل نمی‌کند بلکه با قرار ندادن فرد و جامعه در برابر یکدیگر حدود و قلمرو وسیعی را در اختیار می‌گیرد: زیرا اسلام در عین آن که برای هر فرد شخصیتی مستقل و جدا از هموعانش قائل است، در همان حال در ساختمان عظیم اجتماع او را خشتی بیش به‌شمار نمی‌آورد. (۱۹) این سخن به معنی آشتی دادن یا «جمع» بین روان‌شناسی و جامعه‌شناسی است. البته این سخن مورد توجه برخی از روان‌شناسان معاصر، از جمله اریک فروم، نیز بوده است. وی روان‌شناسی را فارغ از مسائل پیچیده اجتماعی چیزی جز سرگردانی در وادی تجرید و انتزاع نمی‌بیند و جامعه‌شناسی فارغ از مسائل روانی را بسان کار کردن با «مصالح» ناشناخته تلقی می‌کند. (۲۰)

مؤخره

مجموع بحث حاضر و روح کلام حکایت از آن دارد که روان‌شناسی اسلامی دارای جوهر و هویت خاص خویش است. تعریف، موضوع، و اغراض آن با جهان بینی اسلام در تلائم و تسامخ است و از لحاظ روش‌شناسی زندانی روشی مشخص نیست، بلکه برحسب نوع مسأله آزادی انتخاب و عمل دارد، لذا ضروری می‌نماید که:

اولاً کوشش‌های متفرق و جدا از همی که در این باره صورت گرفته است متمرکز گردند و در زیر چتر مدیریتی واحد چون شورای عالی انقلاب فرهنگی یا فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی قرار گیرند.

ثانیاً موضوع به‌عنوان یک مسأله مهم ملی به‌یک بحث و مناظره جدی گذاشته و فراخون مشارکت دردمندان از اهل نظر گردد. این بحث علمی در محدوده زمانی معین می‌تواند با انجام زنجیره‌ای از اظهار نظرهای کارشناسانه و نقد و بررسی هرآنچه تاکنون در این باره گفته و نوشته شده است، راه را برحلّ نهایی مسأله هموار نماید.

ثالثاً ضروری می‌نماید که در طریق وصول بدین مقصد متعالی از ترس و بیم بپرهیزیم، توقف و بی‌حرکتی را از خود دور کنیم، به‌افق‌های دور دست بیاندیشیم و در زبان شعر پروانه باشیم نه غزال!

آهوز تو آموخت به‌هنگام دویدن
رم کردن و استادان و واپسن‌نگریدن
پروانه زمن شمع زمن گل زمن آموخت
افروختن و سوختن و جامه‌دریدن!

مآخذ

۱. فیض، علیرضا. مبادی فقه و اصول. تهران: دانشگاه تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۱، ص ۵.
۲. همان، ص ۴.
۳. حسینی، سیدعلی اکبر، «ملاحظات پیرامون روان‌شناسی، بهداشت روانی، و روان‌درمانی از دیدگاه اسلام»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. دوره چهارم، شماره دوم، بهار ۱۳۶۸، ص ۱.
4. Hypathetical Constructs
۵. حسینی، سیدعلی اکبر. سیری اجمالی در تاریخ تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۱۵۹.
۶. قرآن کریم. سوره‌الاسراء، آیه ۸۷.
۷. همان، سوره‌الحشر، آیه ۲۲.
۸. همان، سوره‌السجده، آیه ۸.
۹. مصباح یزدی، محمدتقی. آموزش عقاید. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ج ۳، ۱۳۷۰، ص ۲۶.
۱۰. فرهادیان، رضا. اصول و مبانی تعلیم و تربیت در قرآن. قم: الهادی، ۱۳۷۲، ص ۲۶.
۱۱. حسینی، سیدحسن. بهداشت روان در اسلام، رساله کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع)، تیرماه ۱۳۷۱، ص ۱۱.

۱۴۸ روان‌شناسی و علوم تربیتی

۱۲. همان، ص ۴.

۱۳. سبزواری، حاج ملاهادی. شرح منظومه. قم: دارالعلم، چاپ پنجم، ۱۳۶۶، ص ۳۱۴.

۱۴. غررالحکم، ص ۲۲۶.

۱۵. به منبع شماره ۱۴ مراجعه شود.

۱۶. مصلح، جواد. مبدا آفرینش از دیدگاه اسلام. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۴، ص ۱۹.

۱۷. مقدم، فتحعلی، «دیدگاه‌های سازشی و زایشی در روان‌شناسی: آثار و تبعات بر روان‌شناسی سه جهان»، ترجمه دکتر سیدعلی اکبر حسینی و غفارتجلی. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره‌های ۱۳ و ۱۴، پائیز - بهار ۱۳۷۰ - ۱۳۷۱.

۱۸. حسینی، سیدعلی اکبر، «علائم و نشانه‌های بروز بحران محنت در علوم انسانی معاصر». مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۱۳۷۲، آماده چاپ.

۱۹. شلتوت، محمود. سیری در تعالیم اسلام. ترجمه سیدخلیل خلیلیان. تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم، ۱۳۵۹، ص ۶۷-۵۷.

20. Fromm, Erick. *The Sane Society*. A Fawcet Publication, Inc. Greenwich, Conn., 1955.